

بازنمایی مفهوم مهاجرت در آثار هنرمندان معاصر ایرانی

/// فرشته دیانت^{*۱}

^۱ استادیار، گروه ارتباط تصویری، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۰-۰۷-۱۴۰۳، پذیرش نهایی: ۱۱-۱۲-۱۴۰۳

◀ چکیده

اگرچه مهاجرت پدیده جدیدی نیست، مطالعات حاکی از آن است که این امر از ابتدایی‌ترین دوره‌های تاریخ بشر آغاز شده است. همراه با پیشرفت تکنولوژی و گستردگی ارتباطات، میل بشر برای جستجوی زندگی بهتر افزایش یافت. از آنجا که هنر، پیوست و ارتباط تنگاتنگی با مسائل اجتماعی دارد، توجه به این موضوع همواره مورد توجه هنرمندان معاصر بوده است. این مقاله بر آن است تا به پاسخگویی این پرسش که هنرمندان معاصر چگونه مسئله مهاجرت را به تصویر کشیده‌اند، برآید. در این میان با آثاری مواجه هستیم که هم توسط هنرمندان مقیم کشور و هم هنرمندان مهاجر خلق شده‌اند. مطالعه و مقایسه آثار خلق شده با مفهوم مهاجرت و همچنین چگونگی رویارویی این هنرمندان با مفهوم و مسئله مهاجرت و نحوه پرداخت‌شان به آن، از اهداف این پژوهش است. این هنرمندان سعی می‌کنند تا موقعیت و واقعیات تجربه شده را در چارچوب گسترده‌تر زمانی و مکانی به نمایش گذارند. تحلیل نشانه‌های صریح و ضمنی این نتیجه را آشکار می‌سازد که اگر چه عواملی چون صنعتی شدن، جهانی شدن، تلاش و امید برای دست‌یابی به زندگی بهتر از دلایل عمده مهاجرت هستند، آدم‌ها عمدتاً در تصاویر تنها، غم‌زده و دچار تردید، تصویر شده‌اند. در مقابل هنرمندان مهاجر این از هم‌گسبختگی را با ادغام هویت و دست و پا زدن در حفظ هویت مبدا و تلاش برای ارتباط با هویت جدید تصویر کرده‌اند. این پژوهش کیفی و روش تحقیق آن توصیفی-تحلیلی است. عکس‌ها و نقاشی‌های این مقاله با توجه به پرسش پژوهش و براساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند.

◀ واژگان کلیدی

مهاجرت، هنر معاصر، هنر ایرانی، هنرمندان ایرانی.

◀ مقدمه

مهاجرت مغزها به کشورهای گروه هفت در فاصله سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۸۹ و اثر آن بر رشد اقتصادی ایران در همین فاصله زمانی پرداخته‌اند. اصطلاح مغز در این پژوهش بر تحصیل کرده‌های دانشگاهی و همچنین نیروهای ماهر انسانی است. الهام حسن‌زاده و افسانه ناظری در مقاله‌ای با عنوان تحلیل بازنمایی نوین هویت در چهل تکه‌های هنرمند مهاجر، براساس نظریات هومی بابا به بازنمایی نوین هویت در آثار سارا رهبر هنرمند ایرانی مقیم آمریکا می‌پردازد. مسئله گفت‌وگو مهاجرت و چگونگی بازنمایی این مفهوم در هنر موضوعی است که تاکنون مورد کاوش جدی قرار نگرفته است. تحقیق حاضر در تلاش است به مهاجرت به مثابه امری همه‌جا حاضر در ذهنیت ایرانی و نحوه برخورد هنرمندان با مفهوم و پدیده مهاجرت بپردازد. اگر چه مقالات متعددی با موضوعیت مهاجرت در جامعه‌شناسی به نگارش درآمده است، اما هنوز مقاله‌ای که به معرفی و تحلیل محتوای آثار خلق‌شده در هنر معاصر بپردازد، به نگارش درنیامده است. رسالتی که این پژوهش سعی در تبیین آن دارد.

◀ روش تحقیق

این پژوهش کیفی و روش تحقیق آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد. اطلاعات مربوط به چارچوب مفهومی به روش کتابخانه‌ای و عکس‌ها و اطلاعات مربوط به آثار عکاسی از منابعی چون وبسایت هنرمندان و گالری‌ها و در مواردی آرشيو شخصی هنرمندان گردآوری شده‌اند.

نمونه‌های موردی: بهنام صدیقی، مهران مهاجر، واحد خاکدان، میترا تبریزیان، سارا رهبر، شاهپور پویان، سودی شریفی و محمود سبزی.

◀ ادبیات تحقیق

مهاجرت از جمله راه‌هایی است که به انسان برای سازگاری با محیط کمک کرده است (زرقانی، ۱۳۹۵: ۲۵). طبق تعریف سازمان ملل متحد، مهاجر فردی است که به کشوری که تابعیت آن را ندارد وارد شده و حداقل دوازده ماه در آن اقامت گزیند. بدین ترتیب مهاجرت را می‌توان به معنای تغییر محل سکونت فردی یا گروهی به شکل دائم یا برای مدت طولانی دانست (همان: ۲۷). در معنای لغوی، مهاجر شخصی است که از وطن خود هجرت کرده و آن را ترک گفته و در مکان و سرزمین دیگری سکنی گزیده است (دهخدا، ۱۳۳۸: ۱۵۹). طبق تعریف حقوقی، مهاجر به فردی که نسبت به تغییر محل زندگی و اقامت خود اقدام کند، گفته می‌شود (علوی، ۱۳۸۱: ۳). همچنین مهاجرت، به ترک دیار و مقیم شدن در مکان دیگر نیز گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۳۸: ۱۵۹) و از نظر جامعه‌شناسی، مهاجرت به مفهوم زندگی و پیشرفت یک جمعیت بدون حرکت است (اورت،

رشد سریع جمعیت و همچنین توزیع نابرابر امکانات، رشد کند اقتصادی و نامتوازن، مهاجرت را به یک مشکل بزرگ و اساسی بدل کرده است (زرقانی، ۱۳۹۵: ۲۵). با گذر زمان اجتماعات از انزوا به تعامل و سازش‌پذیری با دیگران روی آورده‌اند. پیشرفت علمی، توسعه امکانات ارتباطی و گسترش روابط جمعی در این امر تأثیر بسزایی داشته است (Phelan, 2007: 73). درست است که جهانی شدن با تغییرات کلان در بازارها، تولیدات و تجارت جهانی و ارتباطات راه دور همراه است، ولی چیزی نیست که فقط آن بیرون در جریان باشد، بلکه همین‌جا حضور دارد و به شیوه‌های گوناگون روی زندگی شخصی و خصوصی مردم تأثیر می‌گذارد. وقتی نیروهای جهانی شدن از راه مجراهای غیرشخصی مانند رسانه‌ها و فرهنگ عامه با مردمان سایر کشورها وارد محیط‌های محلی، خانه‌ها و اجتماعات می‌شوند، زندگی‌های شخصی نیز ناگزیر دگرگون می‌شوند (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۱۷۱). جهانی شدن نه تنها بر رشد شهرها و صنعتی شدن، بلکه بر مهاجرت نیز تأثیرگذار بوده است. هنرمندان معاصر ایرانی مهاجرت را در آثارشان به تصویر کشیده‌اند. به‌ویژه هنرمندان مهاجر و ساکن در سرزمین‌های دیگر که همواره در کشمکش هویت‌های مبدا (وطن) و مقصد قرار دارند. این پژوهش به تحلیل محتوای آثاری که یا با موضوعیت مهاجرت خلق شده و یا توسط هنرمندان معاصر مهاجر ایجاد شده و همواره به‌نوعی با چالش دیاسپورا روبرو شده‌اند، پرداخته است. هدف از این پژوهش چگونگی برخورد و رویارویی هنرمندان با مفهوم مهاجرت است. تحلیل نشانه‌های صریح ضمنی تصاویر حاکی از آن است که اگر چه عواملی چون صنعتی شدن، جهانی شدن تلاش و امید برای دستیابی به زندگی بهتر از دلایل عمده مهاجرت هستند، آدم‌ها عمدتاً در تصاویر تنها، غم‌زده، دچار تردید تصویر شده‌اند. در مقابل هنرمندان مهاجر با ادغام هویت و دست‌وپا زدن در حفظ هویت مبدا و تلاش برای ارتباط با هویت جدید آن را تصویر کرده‌اند. عکس‌ها و نقاشی‌های این مقاله با توجه به پرسش پژوهش و براساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. این پژوهش کیفی و روش تحقیق آن توصیفی-تحلیلی است.

◀ پیشینه تحقیق

آزاده بهمنی‌پور در مقاله "کارکرد عکس در تعیین هویت دیاسپورا" به تحلیل مجموعه‌ای از آثار پرستو فروهر پرداخته است. ابوالفضل شاه‌آبادی و رقیه پوران در مقاله "بررسی و محاسبه اثر مهاجرت مغزها بر رشد اقتصادی ایران از طریق کانال‌های مستقیم و غیرمستقیم پدیده مهاجرت نخبگان و آثار و تبعات آن" به بررسی

مستمر آفریدن و بازآفریدن هویت‌های شخصی‌مان است. نتیجه ساده‌ای که می‌توان گرفت این است که بگوییم امروزه مردم کشورهای زیادی حس واضح تعلق داشتن را از کف داده و آزادی انتخاب بیشتری کسب کرده‌اند. اما آیا این یک پیشرفت به شمار می‌آید یا نه، بخشی از بحث وجدل‌های مستمر درباره مزایا و معایب جهانی شدن است (گیدنز، ۱۴۰۰: ۱۷۲).

جهانی شدن به شیوه‌ها و طرق مختلف شهروندی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از جمله جهانی شدن مفهوم خودمختاری نسبی دولت-ملت^۱ را زیر سوال می‌برد. و همچنین جهانی شدن، اصل سرزمین به معنای نقطه پیوند میان قدرت و مکان را از هم گسسته است (کاستلز، ۱۳۸۲: ۴۸). چه عواملی در پس مهاجرت جهانی نهفته‌اند و این عوامل چگونه در نتیجه جهانی شدن تغییر می‌کنند؟ بسیاری از نظریه‌های اولیه مهاجرت متوجه عوامل موسوم به عوامل رانش^۲ و کشش بودند. عوامل رانش به فعل و انفعال‌های درونی کشور مبدا اطلاق می‌شد که مردم را مجبور به مهاجرت می‌ساخت، مثل جنگ، قحطی، ستم سیاسی یا فشارهای جمعیتی. در مقابل، عوامل کشش^۳ به آن دسته از ویژگی‌های کشورهای مقصد گفته می‌شود که مهاجران را جذب می‌کند: برای مثال، بازارهای کار پررونق، شرایط زندگی بهتر و تراکم جمعیتی کم‌تر، می‌تواند مهاجران را از سایر مناطق به سمت خود بکشاند (گیدنز، ۱۴۰۰: ۳۷۸). جهانی شدن، حرکت و جابه‌جایی فزاینده مردم و ایجاد اشکال جدیدی از ارتباطات، اسطوره‌های ناظر بر همگونی فرهنگی، نژادی و زبانی را غیرقابل دفاع ساخته است. اکنون تنوع فرهنگی به یکی از وجوه اصلی جوامع مدرن تبدیل شده است (کاستلز، ۱۳۸۲: ۲۶۵).

اصطلاح هجرت^۴ به خروج و پراکنده شدن یک جمعیت قومی از سرزمین مادری به مناطق خارجی دیگری اطلاق می‌شود که اغلب به زور و اجبار یا تحت اوضاع و شرایط زجرآور صورت می‌پذیرد (گیدنز، ۱۴۰۰: ۳۸۲). مهاجرت محور پراکندگی جمعیت در سراسر جهان بوده و ترتیب رخدادهای جابه‌جایی جمعیت‌ها از بخش‌های مهم تاریخ و روانشناسی ما است (هانلون و ویسینو، ۱۳۹۵: ۱۱). در جهانی که دگرگونی‌های پرشتاب اجتماعی در حال وقوع است، مهاجرت‌های بین‌المللی توأم با یکپارچگی اقتصاد جهانی، بیش‌تر شتاب می‌گیرد. هر چند که مهاجرت رخداد جدیدی نیست، اما این جریان به‌منزله بخشی از فرایند ادغام جهانی، در حال شتاب است. دلیل این امر را می‌توان بازتابی از شرایط درحال تغییر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بین کشورها تلقی کرد (گیدنز، ۱۳۹۵: ۳۷۲ و ۳۷۷). مهاجرت به درون^۵ که همان عزیمت به داخل یک کشور به قصد ماندن در آن، و مهاجرت به بیرون^۶، یا همان فرایند دور شدن و ترک کشور کشور برای اقامت در کشوری دیگر، با هم ترکیب شده و به وجود آورنده الگوهای جهانی و مهاجرتی‌ای هستند که کشورهای مبدا و کشورهای مقصد را به هم متصل می‌کنند (همان: ۳۷۸).

۱۳۶۸: ۷۰). سیر مهاجرت به‌طور معمول از طرف کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا درحال توسعه به سوی کشورهای توسعه‌یافته بوده است (موسوی، ۱۳۸۷: ۴). اگر افراد با تمایل خود و بدون هیچ‌گونه فشار بیرونی اقدام به مهاجرت کنند، آن را مهاجرت فردی می‌نامند. اما در مهاجرت اجباری تعقیب قانونی، بلاهای طبیعی، حوادث زیست‌محیطی، فقر شدید و ... آن‌ها را مجبور به گرفتن این تصمیم می‌کند. در عصر جهانی شدن و دگرگونی‌های پرشتاب اجتماعی، مهاجرت بین‌المللی همراه با ادغام شدن و یکپارچگی اقتصاد جهانی، شتاب بیش‌تری گرفته است (گیدنز، ۱۴۰۰: ۳۷۲). اما امروزه مهاجرت یکی از ویژگی‌های ضروری جهان معاصر است. بازارهای جهانی، ایجاد شبکه‌های بین‌المللی، گسترده شدن تکنولوژی، همگی موجب رشد جابه‌جایی متخصصین و کارگران حرفه‌ای، سرمایه‌گذارها، خانواده‌هایشان، دانشجویان و توریست‌ها شده است. کارکردباوران معتقدند زمانی که تعادل در یک نظام از بین برود، مهاجرت یک عمل ضروری جهت برقراری مجدد تعادل به شمار می‌رود (فنیدلی، ۱۳۷۲: ۱۱۳). مهاجرت امر چندبعدی و پیچیده‌ای است که با ابعاد زندگی مدرن همگون بوده و در ادبیات تخصصی از آن به‌عنوان صنعت مهاجرت یاد می‌کنند. این‌گونه بیان شده است که سود سالانه این صنعت از صنعت نفت بیشتر است. سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۸ آمار مهاجران سراسر جهان که خارج از کشور مبدا خود زندگی می‌کنند را بیش از ۱۹۱ میلیون نفر تخمین زده است. که این آمار در مقایسه با گذشته خبر از روند فزاینده مهاجرت در سطح بین‌المللی دارد (Marshall, ۲۰۰۰: ۹۵). از میان کشورها، آمریکا رتبه نخست مهاجرپذیری در جهان را داشته پس از آن کانادا و استرالیا در رتبه‌های دوم و سوم قرار می‌گیرند. از زمان پیدایش انسان اولیه تا عصر ما، مهاجرت در تمام مراحل مختلف تکامل آدمی نقش زندگی‌ساز و تمدن‌ساز داشته است (دی ولت، ۱۳۷۷: ۳۵). افزایش نیاز به درک و شناخت بیشتر فرهنگ‌های بیگانه و دستیابی به درک عمیق‌تری از بحران‌های فرهنگی در جوامع غربی اروپایی و آمریکایی، خود از دلایل اصلی این تغییرات در سال‌های اخیر بوده است در واقع این مهاجرت‌ها بودند که شهرهای چند قومیتی را در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به وجود آوردند (فکوهی، ۱۳۸۶: ۹۲).

جهانی شدن و هجرت‌های جهانی:

در اوضاع و شرایط جهانی شدن، مردم با فردگرایی نوینی روبرو می‌شوند که باید فعالانه هویت‌شان را به دست خودشان بنا سازند. جهانی شدن مردم را به سمت زندگی به شیوه‌های بازتر و تأملی‌تر می‌راند و این یعنی آن‌ها همواره به محیط درحال تغییر خود واکنش نشان می‌دهند و با آن سازگار می‌شوند. حتی تصمیم‌های کوچکی که در جریان زندگی هر روزی خود می‌گیریم- چه بیوشیم، وقت فراغت‌مان را چگونه بگذرانیم، و چگونه مراقب سلامتی و بدن‌مان باشیم- بخشی از فرایند

مهاجرت می‌کردند، مثلاً تیمور با هر ایرانی که به گذشته و مفاخر خود می‌بالید، کینه می‌ورزید. به همین دلیل به قتل عام مردم سیستان و به‌ویژه طایفه کیانی دست زد. در نتیجه عده‌ای کیانیان در آن دوره به هند مهاجرت کردند. مهاجرت‌های مکرر تا زمانی که مرزهای مشخصی بین کشورها وجود نداشت، نسبتاً آسان و فراوان بود، اما پس از آن بسیار دشوار شد (غفاری نمین، ۱۳۸۹: ۵). در صد سال اخیر دو دوره عمده مهاجرت در ایران اتفاق افتاده است. دوره اول در اواخر سلطنت قاجار و بعد از مشروطیت بود. مهاجرینی چون میرزا صالح، جمالزاده، ایرانشهر که آگاهانه مهاجرت کردند و رفتند تا غرب را شناخته و دستاوردهایش را به ایران بیاورند. دور دوم، مهاجرت بزرگی بود که پس از انقلاب و به خاطر فرار از وضعیت سیاسی ایران اتفاق افتاد که هیچ انگیزه آگاهی طلبانه در میان مهاجران نبود. آنان فقط قصد داشتند از ایران دور شوند. گروه سوم جوانانی بودند که در ایران تزلزل وضعیت داشتند و بی‌ثباتی را با خودشان به غرب بردند. این گروه هنوز در فضای تنش بین سنت و مدرنیسم نفس می‌کشند و پاسخی هم برای سوالاتشان پیدا نکردند (جهانبگلو، ۱۳۸۴: ۲۱۳). اصولاً پدید آمدن جامعه باستانی و شکل‌گیری ملتی که ایرانی می‌خوانیمش، به واسطه مهاجرت اقوام آریایی از سرزمین‌های شمالی به سوی جنوب اتفاق افتاده است (ذبیحیان و معتضد، ۱۳۸۱: ۱). مهاجرت که نوعی جابه‌جایی به‌شمار می‌رود، برای برخی به صورت موقت و برای برخی دیگر به صورت دائمی است. تصمیم به این تغییر مکان، دلایل خاص خود را داشته، اما اغلب بی‌تأثیر از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، توجه ناکافی به جایگاه علم و پژوهش، عدم شایسته‌سالاری و میزان ناچیز امید به آینده نیست (اقتصادی، ۱۳۹۸: ۲۱). دلایل اندیشیدن و اقدام به مهاجرت برای یک جوان می‌تواند تجسم دورنمایی از یک زندگی ایده‌آل در سرزمینی که به لحاظ تحصیلی و یا شغلی، امکانات

اگر چه مهاجرت پدیده تازه‌ای نیست، اما به نظر می‌رسد که به منزله بخشی از فرایند ادغام جهانی، در حال شتاب گرفتن است. الگوهای جهان‌گستر مهاجرت را می‌توان بازتابی از پیوندهای در حال تغییر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بین کشورها تلقی کرد. مهاجرت به درون یا حرکت مردم به داخل یک کشور به قصد اقامت در آن، و مهاجرت به بیرون، یا فرایند ترک گفتن یک کشور برای اقامت در کشوری دیگر، با هم ترکیب می‌شوند و الگوهای جهانی مهاجرت را به وجود می‌آورند که کشورهای مبدا و کشورهای مقصد را به هم متصل می‌کنند. حرکات مهاجرتی موجب افزایش تنوع قومی و فرهنگی در بسیاری از جوامع شده و به شکل‌گیری پویای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی یاری می‌رساند (گیدنز، ۱۴۰۰: ۳۷۸). در تاریخ باستان، وقایع بزرگ مربوط به مهاجرت با گسترش روم، تهاجمات وایکینگ‌ها، جنگ‌های صلیبی و گسترش امپراطوری اینکا مرتبط بود. در مهاجرت داخلی مربوط به حرکت و اسکان مجدد مردم در داخل یک کشور است. در واقع، روند مهاجرت به قدمت تمدن بشری است. با گسترش اقتصاد جهانی و افزایش اهمیت مراکز شهری، تمایل عمومی در مهاجرت داخلی، حرکت از مناطق روستایی به مناطق شهری کشورشان است و این نقل مکان‌ها اغلب با جمعیت زیاد رخ می‌دهد. مهاجرت داخلی به طرز چشمگیری فضای شهری بسیاری از بزرگ‌ترین شهرهای در حال توسعه دنیا از چین تا برزیل و اندونزی را تغییر شکل داده است (موسوی، ۱۳۸۷: ۱۴). با افزایش مشکلات زیست‌محیطی و تغییرات آب‌وهوایی، اکنون گروه جدیدی از مهاجران تحت عنوان مهاجران زیست‌محیطی مطرح هستند. همچنین تعداد زیادی از مردم برای یافتن پناه و نجات از جنگ و شکنجه مهاجرت می‌کنند. برخی هم به خاطر پیدا کردن کار (همان، ۲۱).

واژه مهاجرت در فرهنگ مردم ایران

ای کلمه در فرهنگ مردم ایران واژه ناآشنایی نیست. در موارد بسیار، ایرانیان به علت ستم و مشاهده تضییع حقوقشان



تصویر ۱. مهاجر، مهران. (۱۳۸۳). بسته‌های مهاجر، منبع: URL

عکس‌ها تاملی باشند در نحوه خوانش کارهای هنری در موقعیت دریافت آن‌ها. اینجا به مهاجرت هنرمند نمی‌پردازم، بلکه به مهاجرت هنر و اثر هنری می‌نگرم. به رفتن یا ماندن هنر می‌نگرم. این "یا"ی میان دو فعل آیا تنها کارکردی فصلی دارد، یا ممکن است نقشی ربطی هم پیدا کند و بعد هم بشود "رفتن و آمدن". با عکاسی سعی کرده‌ام به درون این بسته‌ها سرک کشیده و عکس‌های از مهاجرت بازگشته را ببینم. آنچه در این مجموعه جذاب است نگاه و بازخوانی واژه مهاجرت در مفهوم راستینش است. نسبت واژه مهاجرت و تلفیق آن به آثار هنری به نوعی از ارزش و زنده بودن هنر و ارتباط مفاهیم انسانی و تناسب‌شان با آثار هنری ربط دارد. شاید این پیچیده شدن قاب‌ها در کیسه‌های حباب‌دار همراه با برچسب‌های بزرگ برای حفظ و نگهداری‌شان به نوعی مخاطب را به یاد جابه‌جایی‌ها و نقل مکان‌هایی می‌اندازد. گذر از مکانی به مکان دیگر.

بهنام صدیقی در مجموعه "روز آخر" از مهاجرین ایرانی، روز آخر در کنار چمدان‌شان عکاسی می‌کند (تصویر ۲). در واقع مهاجرت امری جدی و یک تغییر اصولی در زندگی اقتشار مختلف است. در ایران به‌ویژه در سال‌های اخیر، دلایل مختلفی چون بحران اقتصادی و همچنین به امید داشتن آینده‌ای بهتر، منجر به مهاجرت تعداد زیادی از افراد متخصص و تحصیل کرده شده یا میل به مهاجرت را در آن‌ها افزایش داده است. در مجموعه صدیقی دیدن افراد در کنار چند چمدان که حاصل زندگی چندساله در ایران است، بر غم تصاویر می‌افزاید. قدم نهادن در مسیری پر چالش و فاصله گرفتن از منطقه امن زندگی، رها کردن متعلقات به امید داشتن روزگاری بهتر و در واژه‌های غیر از متوسط گنجیدن، تمام آن چیزی است که در واژه مهاجرت می‌توان خلاصه کرد. در این مجموعه حضور افراد، نگاه بلاواسطه‌شان به دوربین در کنار چمدان‌هایی که تلمبار شده‌اند از مهمترین چیزهای در طول زندگی جمع کرده‌اند، از

و شرایط بهتری به رویش می‌کشاید، باشد (همان: ۲۵). بان کی‌مون^۶ مهاجرت را تجلی آرزوی انسان برای داشتن کرامت، امنیت و آینده بهتر می‌داند. از نظر او مهاجرت بخشی از شیرازه یک جامعه است، بخشی از خصبه و ویژگی ما به‌عنوان خانواده انسانی (عربستانی، ۱۳۹۷: ۹). مهاجرت چه در قالب اقامت موقت به منظور تحصیل و یا مهاجرت دائم بخشی از گفتمان روزمره ایرانی به‌شمار می‌رود. از جمله موضوعات مورد بررسی در جوامع انسانی مهاجرت است. اگر چه عوامل گوناگونی از جمله سختی معیشت تا خشکسالی، مهاجرت اقلیمی یا فشارهای اجتماعی و سیاسی بر شدت آن کاسته است. در واقع اثر عوامل محیطی هر چه که باشد، تجربه ما از زندگی تجربه‌ای ذهنی است، در واقع فهم و تفسیر ما از وقایع و شرایط، همراه با هیجانات و عواطفی که این معانی بر می‌انگیزند نوعی آرزومندی برای چیزی در آینده را ایجاد می‌کند و این آرزومندی دستمایه کنش اجتماعی و رفتار ما است (همان: ۱۴). در ایران عدم تعادل میان نیروی نخبه مهاجر و نیروی مهاجر به داخل به نابرابری در زمینه توزیع نیروی انسانی فعال دامن زده است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۵: ۲).

تحلیل محتوای آثار هنرمندانی که به مفهوم مهاجرت پرداخته‌اند

مهران مهاجر در مجموعه عکسی با عنوان بسته‌های مهاجر (تصویر ۱)، نگاه تازه‌ای به مهاجرت دارد. وی ایده شکل‌گیری این مجموعه را این‌گونه بازگو می‌کند: زمانی که عکس‌هایم در صندوقچه‌ای چوبی از نمایشگاهی گروهی در فرانسه به تهران برگشتند، عکس‌ها را بسته‌بندی کرده، در نایلون حباب‌دار پیچیده و نامم را روی آن‌ها نوشته بودند. "مهاجرها" بازگشته بودند. خواستم از این بسته‌ها عکس بگیرم، حاصل کار شد، "بسته‌های مهاجر". مجموعه این عکس‌ها شاید، هم نمود گونه‌ای خودشیفتگی باشد و هم گونه‌ای ریش‌خند خود. انگار عکاس از لفاف و نام خود هم نمی‌گذرد و انگار می‌خواهد مَه‌ری بزند بر این عکس‌گورها. اما از این‌ها که بگذریم شاید

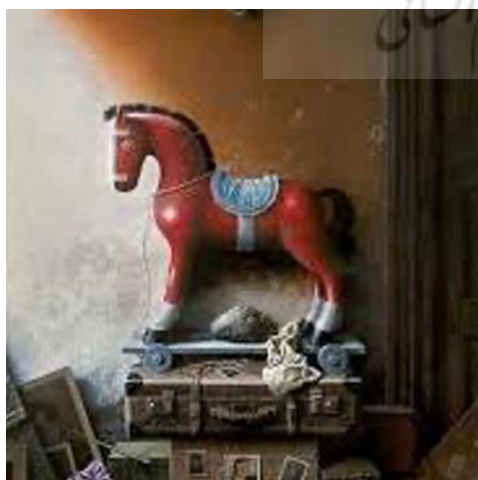


تصویر ۲. صدیقی، بهنام. (۱۳۹۰). روز آخر. URL: 2

نوستالژیک بخشیده است. اینک ما با اشیایی روبرویم که فراتر از خواص مادی فی‌الذات خود هستند. این ارزش حاصل پیوند تجربه زیسته هنرمند و خاطراتش به پیوند با تجربه جمعی مخاطبان است. در نتیجه این نگاه به آثار با نوعی سوگواری نیز روبرویم. سوگواری از دوری عزیزان و متعلقاتی که به نوعی یادآور گذشته و هویت‌مان بودند. گویی این پیوند و تعلق به گذشته با همه هیبتش جایی در ذهن آدم می‌خواند که رفتن و ادادن است، و در دل ما شک می‌اندازد که شاید این رفتن به قیمت گزافی گسستن رشته‌هایی تمام شده است که بودن‌مان با آن‌ها معنا می‌شد و به ما مختصاتی در این عالم می‌بخشید. در مجموعه میترا تبریزیان به نام border که در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ عکاسی شده است با آدم‌های تنها در فضا و مکان روبرویم (تصویر ۴). در عکسی از عکس‌های این مجموعه خانم سالمندی را در یک اتاق بدون حضور آدم یا هیچ موجود و گیاهی در یک فضای سرد با نور آبی می‌بینیم که با لباس بیرون و چمدانی بسته به انتظار نشسته است. گویی همه آنچه در این سالها با آن زیسته را کناری نهاده و حال تصمیم دارد با یک چمدان کوچک برای همیشه سفر کند. شاید سفری بی بازگشت به مبدا. فرد مهاجر تلاش می‌کند سرزمین بیگانه را خانه خود کند. تلاش می‌کند به رغم طردها و تعارض‌ها، جزئی از آن سرزمین شود و آشیانه‌ای در آن بسازد؛ کاری سخت و سترگ، اما نگاه "دیگری" به این تلاش در واژه پرمعنا و بس تحقیرآمیز integration تجسم می‌یابد: جزء یکپارچه و لاینفک کلی شدن که آن سرزمین جلوه عینی و فیزیکی آن است. امروز کشورهای "مهاجرپذیر" که مدعی‌اند با مساله مهاجرت برخوردی به دور از طرد و تبعیض داشته‌اند، میزان بالای مهاجران در جامعه خود را شاهدی بر مدعای خود می‌دانند: مهاجران کار می‌کنند، زندگی‌شان به خوبی تامین می‌شود و در اجتماع جا می‌افتند، پناهجویان پس از پذیرفته شدن

جذابیت‌های این مجموعه است. "افزایش غم‌انگیز نگرانی‌ها و تشویش‌های اجتماعی و بدبینی به آینده، از جمله دلایل در ایران برای اندیشیدن به مهاجرت است. در حقیقت باید در مورد ایران و مسائل مربوط به آن بیندیشیم تا ببینیم چگونه می‌توانیم به‌عنوان ایرانی در جهان امروز زنده بمانیم؟ ایران امروز تمدنی است که با لایه‌های کیهان شناختی، انسان شناختی و موقتی گوناگون درگیر بوده و هر ایرانی در تلاش است تا به نوعی این درگیری متافیزیکی را به نوعی در وجود خود حل کند" (جهانبگلو، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

واحد خاکدان در مجموعه اسب مهاجر با نقاشی از روی عکس به بازنمایی اشیا تلنبار شده می‌پردازد (تصویر ۳). در این آثار یکی از عناصری که مخاطب مکررا با آن روبرو می‌شود، چمدان است. چمدان نشانی از سفر دارد. با در نظر داشتن این امر که او در جوانی مهاجرت کرده، این آثار، معنایی از سفر در خود دارند. سفری که او در نقاشی‌هایش قصد واگویی کردن‌شان را دارد، سفری بی بازگشت است. در واقع او با مهاجرت و ساکن شدن دوباره، به بازنمایی ابژه‌هایی دست می‌زند که در خانه مادری و کشور مبدا به آن‌ها دسترسی داشته و حالا این ابژه‌ها به هویت او و حضورش وجهی احساسی می‌دهند. احساس خلا و فقدان از ابتدایی‌ترین مسائلی است که فرد مهاجر در ابتدای امر با آن روبرو می‌شود. دیوارهای ترک‌خورده و طبله کرده در این مجموعه گویی با درون‌مایه مهاجرت هم‌خوان هستند. این دیوارها نیز مانند دیگر ابژه‌هایی که در آثار است و همچنین مانند گذشته در زیر زمینی متروک رها شده‌اند. انسانی که گذشته و دل‌بستگی‌هایش را رها کرده اما اکنون دوباره سعی در بازنمایی و ارزشمند شمردنش دارد. کیفیتی که در این آثار به چشم می‌خورد تقدیس است. کیفیتی مقدس‌گونه. گویی هنرمند به ستایش گذشته می‌پردازد. او به ابژه‌ها خاصیتی



تصویر ۳. خاکدان، واحد. (۱۳۹۹). اسب مهاجر، منبع: URL:3

تجارت اغلب به سود اقتصاد کل عمل می‌کند، اما به نفع همه گروه‌های موجود در جامعه نیست. مهاجرت همیشه و بویژه زمانی که موج مهاجران فرامرزی مثل دهه‌های اخیر گسترده باشد، تهدیدی علیه هویت فرهنگی تلقی به حساب می‌آید. وقتی افول اقتصادی به معنای از دست دادن منزلت اجتماعی باشد، به راحتی می‌توان دید که چرا مهاجرت نماد تغییر اقتصادی به حساب می‌آید (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۹۷).

با این همه، شاید در زمانه ما اساساً نیازی نباشد که زیر بار این تقابل‌های دوتایی ماندن یا رفتن برویم. کسانی کوله‌پشتی به دوش در فاصله میان رفتن و بازگشتن یا در فاصله سرزدن به اینجا و آنجا، در جواب این سؤال از تو خواهند پرسید: ماندن در کجا؟ رفتن به کجا؟ اینجا و آنجا کجاست؟ خطی نیست. مرزی کو؟ انگار همه چیز در خودشان خلاصه شده و وجودی که می‌شود هر جا از نو به پا کرد؛ مثل یک چادر صحرایی. دنیای جدید با ابزارهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری اش تو را وسوسه می‌کند که جَدل‌های متعصبانه بی‌پایان، دوقطبی‌هایی که تا قیام قیامت هم سر سازگاری ندارند را ورق بزنی و وارد لایه

درخواست‌شان و گرفتن اجازه اقامت از اردوگاه‌های مخصوص بیرون می‌آیند و در متن جامعه همچون دیگران به فعالیت مشغول می‌شوند، زبان آن کشور را یاد می‌گیرند، با آداب و رسوم آن آشنا می‌شوند و به اقتضای آن رفتار می‌کنند. اما integration در واقعیت امر معنایی جز هم‌رنگی با جماعت و ذوب شدن در آن ندارد و سرزمین بیگانه جز به این بها وجود بیگانه را درون مرزهای خود نمی‌پذیرد. در این عالم "او مثل تازه‌وارد و آخرین کسی است که به جمع ملحق می‌شود" (عربستانی، ۱۳۹۷، ۱۴).

مهاجر اما اسیر وضعیتی است که از اختیار او بیرون است. او به واسطه مجموعه شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌ای که از بیرون به او تحمیل شده است خود را از رفتن ناگزیر می‌بیند. مهاجرت حالا موقعیتی است که کل جهان را فراگرفته، مهاجرانی که در تلاش‌اند همچون مسافران نباشند و با جامعه تازه پا نهاده به آن به یک رنگ درآیند، و هویت و وابستگی‌هایی جدید پیدا کنند. این آن چیزی است که مهاجرت را در بسیاری از کشورهای جهان به مساله‌ای دردناک بدل می‌کند. مهاجرت ممکن است به اقتصاد ملی کمک کرده یا نکند. مهاجرت نیز همانند



تصویر ۴. تبریزیان، میترا. (2005-2006). border. منبع: URL



تصویر ۷. شریفی، سودی. (۲۰۱۰). ماکسیماتور، منبع: URL7



تصویر ۵. رهبر، سارا. (۱۳۹۹). پرچم، منبع: URL5



تصویر ۸. سیدی، محمود. (۱۳۹۱). بدون عنوان، منبع: URL8



تصویر ۵. رهبر، سارا. (۱۳۹۹). پرچم، منبع: URL5

مهاجرت به دلیل تغییرات، شکل‌های گوناگون به خود گرفته است؛ تغییراتی چون تکنولوژی و ارتباطات که اتفاقاً حرکت را آسان‌تر کرده است. امروزه مهاجرت از جمله موضوعات مورد بررسی در جوامع انسانی به شمار می‌رود. مهاجرت چه اقامت موقت به منظور تحصیل و یا مهاجرت دائم برای زندگی، بخشی از گفتمان روزمره ایرانی شده است. تردیدی نیست که آرزو یا تمنای مهاجرت یا ماندن، و موضوعات مرتبط با آن در میان ذهنیت ایرانی، به برساخته‌هایی اجتماعی بدل شده‌اند که حاصل تعامل سوژه انسانی با دیگران در گسترده‌ترین وجه و شامل دیگران انسانی و محیطی هستند. سوژه انسانی به عنوان سوژه‌ای آرزومند به دنبال فقدان است که مهاجرت یا ماندن شاید بتواند آن را جبران کند. در این مقاله به تحلیل ضمنی آثار هنرمندان معاصری که به مقوله مهاجرت پرداخته‌اند و همچنین تحلیل آثار هنرمندان مهاجر، هدف بر آن بود که نحوه برخورد هنرمندان معاصر با مسئله و مفهوم جهانی مهاجرت شناخته شود. آنچه از بررسی این آثار به دست آمد این‌که برخی هنرمندان چون واحد خاکدان با تاکید بر نوستالژیک بودن اشیای متعلق به گذشته، حس سوگواری و رویارویی با غم غربت و عدم ترکیب با مکان جدید را به نمایش می‌گذارند. برخی دیگر همچون مهاجران عکس‌های بهنام صدیقی اکثراً مردود و نگران مسیر پر چالش پیش رو هستند، آدم‌های عکس‌های میترا تبریزیان تنها و غمزه هستند. اما هنرمندان مهاجر چون سودی شریفی، سارا رهبر، شاهپور پویان و محمود سبزی در اثرشان از نشانه‌های فرهنگی مانند پرچم چه به عنوان نماد ملی یا در آثار هنری به عنوان نماد فرهنگی استفاده کرده و با به چالش کشیدن آن به دنبال راهی برای آشتی هویت مبدأ و مقصد هستند.

پی‌نوشت‌ها

1. Relative Autonomy
2. Push factor
3. Pull factors
4. diaspora
5. Immigration
6. emigration
7. Ban Ki-Moon دبیرکل اسبق سازمان ملل

فهرست منابع فارسی

ابراهیم‌زاده، عیسی (۱۳۸۵). مهاجرت و شهرنشینی، علل و پیامدها. *دوماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره‌های ۵ و ۶، بهمن و اسفند، ۱-۱۴. اورت، لی (۱۳۶۸). *یک نظریه مهاجرت*. ترجمه بیژن زارع، عبدالعلی لهستانی زاده، نظریات مهاجرت. شیراز: نوید.

دیگری بشوی که نه این است و نه آن. هم این است و هم آن. برخی از هنرمندان ایرانی در دوره‌های مختلف مهاجرت کرده و این مهاجرت به دلایل متفاوتی صورت گرفته است. در آثار این دسته از هنرمندان بازنمایی مفهوم مهاجرت با سوگیری انتقادی و سیاسی همراه بوده و بر مسائل خاورمیانه که همواره در رسانه‌های جهانی مورد توجه بوده است، متمرکز است. سارا رهبر هنرمند ایرانی مقیم آمریکا در مجموعه پرچم، پرچم آمریکا را با پارچه‌های سنتی فرهنگ ایران تلفیق کرده است (تصویر ۵). شاهپور پویان در مینیاتورهایش، مکان‌ها را از افراد خالی کرده است (تصویر ۶). در مقابل سودی شریفی آدم‌های امروزی را در تصاویر مینیاتور قرار می‌دهد (تصویر ۷). در آثار این هنرمندان با پرسش "کجا رفتند" روبرو هستیم و همچنین با این پرسش که "کجا هستیم؟". محمود سبزی در مجموعه *متامورفیزم* به تلفیق عناصر سنتی، موتیف‌های هنر اسلامی و انسان‌های مشغول ورزش باستانی و عناصر آمریکایی چون کوکاکولا دست می‌زند (تصویر ۸). آثار این هنرمندان ترکیبی از تزلزل هویت فرهنگی در جغرافیای خاورمیانه است. آن‌ها با این آثار، پرسش "ما که هستیم" و "خانه کجاست" را مطرح کرده‌اند. هنرمندان مهاجر به تلفیق دغدغه‌ها و ارزش‌های جغرافیایی فرهنگی سرزمین مادری با مکان جدیدی که در آن قرار گرفته‌اند می‌پردازند (مریدی، ۱۳۹۸: ۲۰۱). در دوره‌ای که با کنار هم قرارگیری آگاهی از سطوح مختلف که البته نتیجه وضع پست‌مدرن امروزی است، روبرو هستیم باید از سودای جست‌وجو برای هویت‌های فرهنگی ناب دست برداشته و به گونه‌ای هم‌زیستی هویت‌های گوناگون و در امتداد هم را باور کنیم. باید که به دیالکتیک فراتاریخی سنت‌ها توجه کرده و البته از طرفی دیگر به تمهید پیش نیاز برای گفت و شنود فرهنگ‌های فعلی بپردازیم. به علاوه باید تکثر را چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی بپذیریم. به هویت چهل‌تکه تن داده و نقش مهاجران سیار را بر عهده بگیریم (هاشمی، ۱۳۸۷: ۵۹۵).

نتیجه‌گیری

سیر فراگستر مدرنیته، علاوه بر ایجاد موج جهانی شدن و همگونی همه جهان، موجبات خودآگاهی فرهنگی، قومی و ملی و در نتیجه از هم گسیختگی و حفظ ویژگی‌های خاص از جانب ملل مختلف نیز شده است. حرکت مسافر حرکتی آزادانه و اختیاری است. سرزمین خود را بی‌حس تاسفی ترک می‌کند تا از آنچه مانوس و مالوف است، از عادات و علایق خود بگسلد و به ناشناخته‌ها روی آورده و دیگری را کشف کند. اختیار مؤلفه اصلی سفر است. اگرچه مهاجرت پدیده جدیدی نیست، مطالعات حاکی از آن است که از ابتدایی‌ترین دوره‌های تاریخ بشر آغاز شده است. اما در این مسیر چهارچوب‌های

بهمنی‌پور، آزاده (۱۴۰۲). کارکرد عکس در تعیین هویت دیاسپورا، با تحلیل مجموعه‌ای از آثار پرستو فروهر. *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، شماره ۹۱، ۱۷-۱۰۷. جهانگیرلو، رامین (۱۳۸۴). *موج چهارم*. تهران: نشر نی.

حسن‌زاده، الهام و افسانه نظری (۱۳۹۴). تحلیل بازنمایی نوین هویت در چهل تکه‌های هنرمند مهاجر. اولین همایش بین‌المللی نوآوری و تحقیق در هنر و علوم انسانی.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۸). *لغت نامه فارسی*. تهران: دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.

ذبیحیان، یدالله و معتضد خسرو (۱۳۸۱). *ایرانیان در مهاجرت*. تهران: البرز.

زقانی، سید هادی، سجاسی قیداری، حمدالله و موسوی، زهرا (۱۳۹۵). *درآمدی بر مهاجرت و امنیت*. تهران: انجمن ژئوپولیتیک ایران.

شاه‌آبادی، ابوالفضل، و پوران، رقیه (۱۳۸۹). بررسی و محاسبه اثر مهاجرت مغزها بر رشد اقتصادی ایران از طریق کانال‌های مستقیم و غیر مستقیم. *پژوهشنامه بازرگانی*، ۱۴ (۵۵)، ۱-۴۶.

فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۸). *هویت*. ترجمه رحمن قهرمانیپور. تهران: روزنه.

فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). *انسان‌شناسی شهری*. تهران: نی.

فیندلی، سلی (۱۳۷۲). *برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی*. ترجمه عبدالعلی لهستانی‌زاده. شیراز: نوید.

عربستانی، مهرداد (۱۳۹۷). *تمنای رفتن (مهاجرت به خارج در میان ذهنیت ایرانی)*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

علوی، محمود (۱۳۸۱). *تأثیر مهاجرت افغان‌ها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

غفاری‌نمین، سپیده (۱۳۸۹). *حقوق مهاجرت*. تهران: جنگل.

کاستلز، استفان، و دیویدسون، آلیسر (۱۳۸۲). *شهروندی و مهاجرت/جهانی شدن و سیاست تعلق*. ترجمه فرامرز تقی‌لو. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گیدنز، آنتونی، و ساتن، فیلیپ (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: علمی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۸). *جامع‌شناسی*. ترجمه حسن چاوشیان، چاپ چهارم. تهران: نی.

فهرست منابع لاتین

Marshal, B. (2000). *The politics of migration*. published by Routledge, London and New York, first edition, p.120.

Phelan, M. Gillespie, J. (2007). *Immigration law handbook*. Fifth Ed. Oxford University, London

فهرست منابع تصاویری

URL1: www.akkasee.com (access date: 2023/11/24)

URL2: www.behnamsadighi.com (access date: 2024/9/02)

URL3: www.artchart.ne (access date: 2024/9/02)

URL4: www.oneart.org (access date: 2024/08/07)

URL5: www.darzar.gallery (access date: 2024/08/17)

URL6: www.galleryinfo.ir (access date: 2024/9/02)

URL7: www.jadidonline.com (access date: 2024/06/11)

URL8: www.azadart.gallry (access date: 2024/08/22)

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Published by Soore University. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

